این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آینه نفس

قلب نیازمند قلب‌سازی

علامه محمدرضا حکیمی(ره):
حاج شیخ مجتبی قزوینی به «قلب سازی» توجه بسیار داشت. اشخاصی الان بدن‌سازی می‌کنند و بدن را از فُرم شُل و وِل و بی‌قواره‌اش بر می‌گردانند به یک فرم پیچیده و محکم و عضلانی و زیبا. همین کار را با قلب هم باید کرد. قلب را اگر ولش کنید مثل همان بدن ناهنجار می‌شود. از حضرت علی(ع) پرسیدند: شما از کجا به این مقام رسیدید؟ فرمود: «کنتُ بوّاباً عَلَی بَابِ القَلب: من دربان درِ دلِ خودم بودم» و نمی‌گذاشتم غیر خدا چیزی وارد قلبم شود. باید در همه کارها قصد الهی بکنیم، قصد قربت بکنیم تا اعمال ما جهت الهی پیدا کند و برای ابدیت ما بماند، حتی در حمام رفتن هم می‌شود قصد قربت کرد و گفت نظافت لازم است. بنابراین عمده‌ترین دستوری که یافتم که می‌شود آن را نقل کنم، عمده‌اش از حاج شیخ مجتبی بود و ایشان هم تأکید عمده‌شان روی تقوا، قلب سازی، توجه به امام زمان(عج) و خواندن قرآن به خصوص سوره یس و از جمله اوقات در سحر و با تکرار آیات و تأنی و تأمل در آنها بود.
منبع: کانال تلگرامی «علامه حکیمی»

دوست‌داشتنی‌ترین مجلس

کانال تلگرامی «یادنامه» حدیثی از امام صادق (ع) را به استناد قرب الإسناد، ص۱۸ به اشتراک گذاشت. در این حدیث روایت شده است: امام صادق(ع) به فضیل فرمود: «آیا با یکدیگر می‌نشینید و گفت‌وگوی [علمی] می‌کنید؟» فضیل گفت: «آری، فدایت شوم.» آن حضرت فرمود: «به‌راستی من اینگونه مجالس را دوست دارم. امر [فرهنگ و معارف] ما را زنده کنید. خدا رحمت کند کسی را که امر ما را زنده کند.»

دانشگاه واقعی در کلام مرحوم دکتر کریم مجتهدی

حبیب ازغدی در توئیتی نوشت: دکتر کریم مجتهدی: «دانشگاه واقعی بدون این که به سنت‌های ریشه‌ای خود صدمه‌ای وارد بیاورد، دائماً دایره شمول امکانات خود را بسط و گسترش می‌دهد تا جایی که گویی بیشتر فقط در آینده احتمالی خود است که می‌تواند خود را بازشناسد و در غیر این صورت، اصلاً آینده‌ای برای آن متصور نمی‌شود.»

فرامتن آزادی موقت حامدی و محمدی

سجاد فرشیدی توئیت کرد: فرامتن آزادی موقت نیلوفر حامدی و الهه محمدی با وثیقه سنگین ۲۰ میلیاردی، این است که قطعاً اتهام‌شان خیلی سنگین بوده که چنین وثیقه‌ای لازم داشتند.

بچه‌ها را چطور تشویق کنیم؟

رضا محمدی در توئیتی نوشت: بچه‌ها رو چطور تشویق کنیم؟ ۱) آفرین، چقدر تو باهوشی ۲) آفرین، چقدر خوب تلاش کردی. پروفسور کلودیا مولر (از دانشگاه کلمبیا) در یک پژوهش جالب به این سؤال پاسخ داده.

کاربران شبکه‌های اجتماعی از اهمیت و برکات نماز شب می‌گویند

مقامات بلند بدون نماز شب نمی‌شود

با انتشار تصاویری از حاج قاسم سلیمانی که خطاب به مجاهدان راه خدا از نماز شب می‌گوید و سه بار بر اهمیت نماز شب تأکید می‌کند باعث آن شد که کاربران شبکه‌های اجتماعی در توئیت‌هایی از برکات نماز شب نوشته و یکدیگر را به نماز شب سفارش کنند. کاربران جملاتی از علمای بزرگ اسلام در باب اهمیت نماز شب و برکات آن به اشتراک گذاشتند. آنها همچنین خاطراتی را از شهدایی که مأنوس با نماز شب بودند منتشر کردند. در ادامه بخش‌هایی از واکنش‌های کاربران را مرور کرده‌ایم.

■ **رضا خواجی:**
این راه بدون نماز شب نمی‌شود. مکرر این جمله را از مرحوم حاج ملاحسینقلی همدانی و حاج میرزا علی آقا قاضی (قدس سرهما) نقل می‌کردند که «ندیدیم کسی در راه خدا بدون نماز شب به مقامات بلند رسیده باشد.» بزرگوارانی که نماز شب میخونید خوش به سعادتتون. التماس دعای فراوان لطفاً.

■ **کاربری با نام «علی»:**
حضرت آیت‌الله بهجت(قدس سره): این مطلب به یقین ثابت است و خیلی‌ها نیز نقل کرده‌اند که اگر از حال انسان معلوم شود می‌خواهد نمازشب بخواند، بیدارش می‌کنند!

■ **فاطمه نجفی:**
دلم که میگیره تو نور کم اتاق سجاده رو باز می‌کنم، حرف می‌زنم، بغض می‌کنم و سرآخر دستاش رو می‌بینم که اشکام رو پاک می‌کنه.

نمی‌دونم دلتون می‌گیره چیکار می‌کنید؟! پیشنهاد می‌کنم خوندن یه رکعتِ آخر نماز شب و قبل از خواب امتحان کنید.

■ **کاربری با نام عرفان:**
محمد پاشو! پاشو چقدر می‌خوابی؟ چته نصفه شبی؟ بذار بخوابم. پاشو، من دارم نمازشب میخونم کسی نیست نگام کنه! یا مثلاً می‌گفت: پاشو جون من، اسم سه، چهار نفر مؤمن رو بگو تو قنوت نماز شبم کم آوردم! مسعود هرشب به ترفندی بیدارمان می‌کرد برای نماز شب. عادت کرده بودیم.
#شهیدمسعوداحمدیان

■ **فریبا:**
سلام بر [شهید مصطفی احمدی روشن] که گفت من در نطنز، با شب بیداری، با کار مضاعف، با دوری از زن و بچه، با غنی سازی، با پیشرفت در انرژی هسته‌ای، با یو سی اف، با فلان فرمول شیمیایی و با نماز شب کنار لوله‌های آزمایشگاهی، مشغول مبارزه دیگری با فتنه هستم. شهید را یاد کنیم با ذکر صلوات.

■ **صفحه توئیتری «نور»:**
پیامبر اکرم(ص): سزاوار است بر شما خواندن نماز شب... آیا نمی‌بینید که اهل نماز شب چه نیکو صورتند؟! زیرا شب‌ها با خداوند خلوت می‌کنند و خداوند با نور خود چهره آنان را می‌پوشاند.

■ **احمد روستایی:**
توصیه حاج قاسم: «نماز شب، نماز شب، نماز شب» کدام فرزانه‌ای بوده که تأکید بر نماز شب نکند. گویا سرّی در کار است که از عقول ما خارج است. و چه ساده ما این سرّ نهان را از دست می‌دهیم و از خودمان سلب توفیق می‌کنیم. کاش توفیق داشتیم و حداقل همان سه رکعت را می‌خواندیم.

■ **آرامی:**
نماز شب، نعمتی است از جانب خدای سبحان که عزت و ابهت نمازگزار را نزد مردم افزایش می‌دهد. برخی تصور می‌کنند نعمت الهی منحصر در مادیات است، در صورتی که از نعمت‌های اصلی و مهم خداوند که محبوب اولیای الهی است، می‌توان به کسب توفیق نماز شب اشاره کرد. نماز شب باید از کم شروع شود. با حذف مستحبات طولانی آن می‌شود همه آن را در ۱۰ دقیقه خواند، ولی اگر حال خوشی دست داد، طولانی کردن آن به اندازه کشش حال، اشکالی ندارد. سعی کنید بدون کوک کردن ساعت بیدار شوید. عادت به نماز شب و سحرخیزی ممکن است حداقل دو سال طول بکشد.

■ **کیان رجب‌پور:**
نباید نماز شب را برای خودمان سخت کنیم. سه رکعت است. مثل نمازهای عادی بخوانیم و شروع کنیم. مطمئناً خدا یاری می‌کند و به نسخه کاملش هم می‌رسیم.

زبان ما هستی و هویت ماست

محمدجعفر محمدزاده در کانال تلگرامی خود نوشت:
یکم: با نگاهی ژرف و مقایسه‌ای می‌توان این نظر را که زبان به نور شبیه است تصدیق کرد. «نور» در حکمت و اندیشه ایرانی جایگاه ویژه‌ای دارد و به فلسفه افلاطون راه یافته و سهروردی در شرح آن کوشیده است و بر همین پایه است که فلسفه سهروردی را «حکمت اشراق» می‌گویند.
شباهت نور و زبان از این جهت است که هم نور و هم زبان در شناساندن خود و چیزهایی که تا پیش از آن شناخته نبوده‌اند عمل همانندی دارند. نور هرگاه بتابد با روشنایی و تابش خود چیزهایی را که تا پیش از آن دیده نمی‌شدند می‌نمایاند و افزون بر آن خود نور هم در پرتو این تابش شناخته می‌شود. زبان نیز صفتی همانند نور دارد: به موازات اینکه به وسیله کلمه به ظهور برسد هم چیزهایی را که تا پیش از آن ناشناخته بوده آشکار می‌کند و هم خود را می‌شناساند و شاید به همین جهت است که کلمه را که مهم‌ترین رکن جمله در ساختار زبان است «کلمه» گفته‌اند. کلمه به معنی زخم زدن به چیزی یا خراشیدن پوست چیزی است؛ چون پوست چیزی را زخم کنند یا بخراشند در زیر آن پوست چیزی پیدا می‌شود که تا پیش از آن پیدا نبوده است و وقتی به زخم و جراحتی دست بزنند دردی یا واکنشی بروز می‌دهد. شاید وسیله کوچکی را که به سازهای زهی می‌کشند و به آن زخمه یا مضراب می‌گویند از همین رو «زخمه» گفته‌اند که چون بر تارهای ساز کشیده شود باعث می‌شود صدایی از آن شنیده شود که تا پیش از آن شنیده نمی‌شده است.
دیگر که در زبان برخی مردم زاگرس‌نشین به آواها و مویه‌های سوزناک «کلیمه» می‌گویند. کلیم هم در فرهنگ‌ها مجروح و زخمی معنی شده است. این شاید از آن روست که آن آواها درد و اندوه درون کسی یا کسانی را آشکار می‌کنند.
دوم: پایه آنچه گفته شد، زبان افزون بر نقش ارتباطی نقش دیگری دارد و آن نشان دادن جایگاه عقل و خردمندی صاحب آن است که چون اندیشه فکر به گفتار یا نوشتار به ظهور برسد، خرد صاحب سخن را نیز بازگو می‌کند و شاید از این روست که به نظر فیلسوفی چون ملاصدرا جایگاه زبان در سلسله مراتب وجود با هستی هم‌شأن است و از سخنِ به‌ظهور رسیده، این‌همانی عقل، زبان و هستی آشکار می‌گردد، یعنی زبان به موازات شناساندن چیز و چیزهایی که تا پیش از آن شناخته نبوده سطح خرد و اندیشمندی صاحب زبان را هم می‌شناساند و می‌فهماند که سهم صاحب زبان از هستی و جایگاه او در کجاست. این کلام امام علی(ع) که «المرء مخبوء تحت لسانه» یعنی آدمی در زیر زبان خود پنهان است و این بیت از سعدی که «تا مرد سخن نگفته باشد | عیب و هنرش نهفته باشد» ناظر بر همین معناست و بر همین پایه از خردِ فلسفی استوار است.
سوم: داستان‌های شاهنامه فردوسی را پیش از او دیگرانی چون ابومنصوری، دقیقی، ابوعلی بلخی و خدای‌نامه‌ها به زبان پهلوی و سیرالملوک‌ها به زبان عربی هم گفته‌اند، اما وقتی با زبان فردوسی به نظم درآمده و از منظومه فکر و اندیشه فردوسی گذشته است در حافظه تاریخی ایرانیان ماندگار و برای ایرانیان هویت‌ساز شده است. پس آن داستان‌های حماسی با اسطوره‌هایش و تاریخ ایران در زبان فردوسی نقشی فراتر از نقش ارتباطی و انتقال معنی پیدا کرده و به‌خاطر جایگاه فرامتنی و نهان‌ساخت خود به «خاطره جمعی یک ملت» تبدیل شده و جایگاه هویتی و هویت‌بخشی پیدا کرده و به همین خاطر شاهنامه را که یک کتاب است به وسیله زبان به ظهور رسیده فردوسی و سخن فردوسی در جایگاه «حماسه ملی ایرانیان» گرفته است.
نکته پایانی: بیدل دهلوی از بزرگ‌ترین پارسی‌گویان شبه‌قاره هند، جایگاه زبان و ظرفیت بالارونده و بالابرنده آن را برپایه گستره خرد و اندیشمندی طبایع متفاوت، در یک بیت زیبا چنین شناسانده است: «سخن آبی‌ست کز فواره‌ی خاک | به زور طبع خیزد تا به افلاک»

اسطوره‌های ایران از آرش تا حاج قاسم

حامد صراف‌پور توئیت کرد: چرا باید اسطوره‌های ملی و تاریخی خود را حفظ کنیم؟ چون آنها همیشه در ایران زمین زنده‌اند و آن را از گزند دشمنان حفظ می‌کنند. از رستم و آرش کمانگیر... تا حاج قاسم و طهرانی‌مقدم!

پس براندازی کشک؟

مهدی حاجی‌پور توئیت کرد: از جمهوری اسلامی عبور کرده بودین و عید ۱۴۰۲ رو قرار نبود ببینه و مسئولان هم همه رفته بودن ونزوئلا. چی شد پس؟ رأی بی‌رأی؟ شوخی میکنی! پس براندازی و این داستان‌ها کشک؟!

دلجویی رهبر انقلاب از دختر خردسال شهید

کانال‌های خبری گزارش دادند: هلما احمدی دختر خردسال شهید پوریا احمدی از شهدای امنیت کشور چندی پیش همراه جمع دیگری از خانواده‌های شهدا در حاشیه دیدار رزمندگان دفاع مقدس با رهبر انقلاب دیدار و گفت‌وگو کردند. این دختر خردسال شهید وقتی با رهبر انقلاب مواجه شد به آیت‌الله خامنه‌ای گفت «آقا من از شما ناراحتم. شما رفتید سر مزار شهدای دیگه، مثلاً سر مزار شهید آرمان رفتید ولی سر مزار پدر من نرفتید...»
اما حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر انقلاب اسلامی چند روز پیش، ضمن حضور در گلزار شهدای بهشت زهرا(س)، بر مزار پدر هلما - شهید مدافع امنیت پوریا احمدی- حاضر شدند و دفتر رهبری نیز تصویری از این حضور را برای هلما دختر این شهید فرستاده است.

درباره عملیات ۲۶ دی

مهدی محمدی در کانال تلگرامی خود نوشت: اساساً مهم‌ترین هدف اسرائیل از جنایت در غزه ظرف یکصد روز گذشته ایجاد بازدارندگی از طریق «معتبر کردن تهدید جنایت بزرگ» بوده است. صهیونیست‌ها امیدوار بودند بتوانند با جنایت ویرانی بدون مرز در غزه مدل جدیدی از بازدارندگی ایجاد کنند. حمله بامداد ۲۶ دی در درجه اول نشان داد این مدل شکست خورده است و جنایت در غزه با ایجاد انگیزه انتقام، شدت ضربات احتمالی علیه اسرائیل را بالا برده است.
حمله ۲۶ دی بر دو مفهوم کلیدی تمرکز کرده است: ۱- نایبان منطقه‌ای پنهان اسرائیل و ۲- شبکه تأمین کالا و انرژی رژیم. در پاسخ به کمپین ترور برخی از مهم‌ترین عوامل نیابتی اسرائیل که تغذیه زیرساخت ترور رژیم به اضافه صادرات انرژی به آن را تسهیل می‌کردند ضربه خوردند.
کنترل محاسبات و در نتیجه پیش بینی پذیر کردن رفتار ایران و به طور خاص ایجاد هراس از واکنش نامتناسب مثلاً به شکل حمله نظامی، در یک ماه گذشته مهم‌ترین دستور کار راهبردی علیه ایران بوده. عملیات ۲۶ دی خروج از محاسبه‌پذیری و تمرین شکل جدیدی از عملیات دسته‌جمعی علیه اهداف چندگانه بود که ژانر متفاوتی در الگوی رفتار نظامی ایران محسوب می‌شود.
به ویژه این نکته مهم است که نشان داده شود ایران همیشه مطابق قواعد بازی نخواهد کرد. عملیات ۲۶ دی نشان داد حمله با موشک بالستیک دوربرد به اهداف بسیار دوردست می‌تواند پاسخی به عملیات اطلاعاتی باشد. پاسخ‌ها از این پس نه هم سطح خواهد بود و نه هم جنس و این عدم پیش بینی پذیری در پاسخ می‌تواند مبنای دور جدیدی از بازدارندگی باشد.

اثر انگشت ما شاید منحصر به فرد نباشد

کانال تلگرامی «modern cogitation» نوشت: هوش مصنوعی قادر به شناسایی اثر انگشت از انگشتان مختلف متعلق به یک شخص است. خیلی‌ها عقیده دارند که اثر هر یک از انگشتان یک نفر کاملاً منحصر به خودش است، عقیده‌ای که حالا توسط پژوهشی در دانشگاه کلمبیا به چالش کشیده شده است. گروهی در این دانشگاه امریکایی هوشی مصنوعی را آموزش داده‌اند تا ۶۰ هزار اثر انگشت را بررسی کند تا مشخص شود آیا می‌تواند مشخص کند آیا اثر انگشت متعلق به یک فرد است یا نه.
پژوهشگران ادعا می‌کنند که این فناوری می‌تواند با دقت ۷۵ تا ۹۰ درصدی تشخیص دهد که آیا اثر انگشت‌ها به یک فرد تعلق دارند یا نه، اما دقیقاً نمی‌دانند که چطور کار می‌کند. پروفسور هاد لیپسون، متخصص روباتیک در این دانشگاه که ناظر این پژوهش بود، اذعان می‌کند که «دقیقاً نمی‌دانیم که هوش مصنوعی چطور این کار را می‌کند.»
نتیجه پژوهش دانشگاه کلمبیا می‌تواند پیامدهای بالقوه‌ای برای بیومتریک یا زیست‌سنجی - استفاده از یک انگشت مشخص برای باز کردن قفل یک دستگاه یا ارائه اطلاعات - و علوم قانونی داشته باشد. اگر برای مثال، اثر انگشت شست ناشناسی در صحنه جرم «الف» کشف شود و اثر انگشت اشاره ناشناسی هم در صحنه جرم «ب»، در حال حاضر راهی در علوم قانونی برای ربط دادن هر دو به یک شخص وجود ندارد، اما این ابزار هوش مصنوعی شاید بتواند چنین ارتباطی را تشخیص دهد. پژوهشگران دانشگاه کلمبیا که هیچ تخصصی در علوم قانونی ندارند اذعان می‌کنند که تحقیقات بیشتری باید انجام شود.
ابزارهای هوش مصنوعی غالباً با استفاده از حجم هنگفتی از داده آموزش داده می‌شوند و برای توسعه بیشتر این فناوری نیازمند اثرهای انگشت بسیار بیشتری است. علاوه بر این، تمامی اثرهایی که برای آموزش این هوش مصنوعی استفاده شدند کامل و باکیفیت بودند، در حالی که اثرهایی که معمولاً در دنیای واقعی پیدا می‌شوند ناقص و بی‌کیفیت هستند.
به گفته آقای گوئو «ابزار ما به درد اظهارنظر درباره مدارکی که در دادگاه ارائه می‌شوند نمی‌خورد، اما می‌توان از آن برای یافتن سرنخ در تحقیقات قانونی استفاده کرد.» اما دکتر سارا فیلدهاوس، استادیار علوم قانونی در دانشگاه استفوردشایر بعید می‌داند که این پژوهش در مقطع فعلی «تأثیر قابل توجهی» بر پرونده‌های جنایی بگذارد.

کتابفروشی‌های کوچک در معرض نابودی

حسین جاوید در کانال تلگرامی خود نوشت: در فروشگاه‌های بزرگی مثل وال‌مارت (در ایالات متحده) خیلی از کالاها به سفارش فروشگاه و با برند خود فروشگاه تولید و فروخته می‌شود. یعنی چه؟ مثلاً شما مایونز یا زغال یا نوشیدنی یا دستمال کاغذی می‌خواهید و در قفسه‌ها انواع آن را با برند تولیدی خود فروشگاه می‌بینید، نه برندهای دیگر. در ایران هم مثلاً هایپراستار این کار را می‌کند و می‌توانید از کاغذ آچهار گرفته تا عسل و ناگت مرغ را با بسته‌بندی و نام هایپراستار تهیه کنید. حالا ربطش به کار کتاب چیست؟
لب مطلب را بگویم: کتابفروشی‌های بزرگ و زنجیره‌ای نه‌تنها کتابفروشی‌های کوچک بلکه ناشرها و تولیدکننده‌های کوچک را هم خواهند بلعید.
وضعیت بازار کتاب در صنعت نشر ما طوری است که فروش ناشرها و مؤسسات پخش با چک و فروش کتابفروش‌ها نقدی است. پس جریان نقدینگی دست کتابفروشی‌هاست و مناسبات را آنها تعیین می‌کنند. حالا چه شده؟ گردش نقدینگی در فروشگاه‌های زنجیره‌ای کتاب بسیار بالا رفته و آنها مدام شعبه اضافه می‌کنند و برندهای جدید هم پا به میدان می‌گذارند. این بدین معنی نیست که مردم کتابخوان‌تر شده‌اند، بلکه چون این فروشگاه‌ها دیگر فقط کتاب نمی‌فروشند و انواع و اقسام کالاهای تزئینی و کاربردی و بازی و نوشت‌افزار و... عرضه می‌کنند و خریدشان عمدتاً چکی و فروش‌شان عمدتاً نقدی است، روزبه‌روز فربه‌تر می‌شوند (که البته نوش جان‌شان و قواعد بازار همین است)؛ نتیجه چه می‌شود؟ اینها با نقدینگی و رشد حاصل از آن ابتدا کتابفروشی‌های کوچک را از دور خارج می‌کنند (همان‌طور که فروشگاه‌های زنجیره‌ای به بقالی‌ها و سوپرهای کوچک و محلی آسیب زدند) و در مرحله بعدی سراغ تولیدکننده‌ها می‌آیند. وقتی شما فروشگاهی دارید که مشتری دارد، چرا فلان کتاب یا تقویم یا دفتر یادداشت یا اسباب‌بازی را از من تولیدکننده یا واردکننده بگیرید و ۳۰، ۴۰ درصد سود هم به من بدهید؟ خب، خودتان تولید یا واردش می‌کنید (یا سفارش می‌دهید برایتان تولید یا وارد کنند) و در فروشگاه‌تان آن را می‌فروشید، با سود کاملی که در زنجیره‌ها تقسیم نشده و فقط به خودتان رسیده! این همان اتفاقی است که در وال‌مارت و هایپراستار و امثال آنها رخ داده است.
ابتدا ناشرهای بزرگ میل داشتند کتابفروشی بزنند و به فروش مستقیم رو بیاورند، حالا روال تقریباً برعکس شده! کتابفروشی‌های بزرگ به نشر و تولیدات دیگر روی می‌آورند و کالای مورد نیازشان را خودشان تأمین می‌کنند! آنها دقیقاً می‌دانند مشتری دنبال چه کتاب یا چه کالایی است، پس راحت‌تر ناشرها و تولیدکننده‌های کوچک را از دور خارج می‌کنند. ناشران هوشمند باید برای این آینده برنامه داشته باشند.